

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۲۶ فبروری ۲۰۱۵

قصه طالبان مفت شد!!!

به روز ۲۳ فبروری ۲۰۱۵، در صفحه انترنتی بی، بی، سی به عنوان درشت خواندیم، که:

«حامیان داعش به خانه های مردم در ولایت لوگر حمله کردند.»

به اصطلاح عامیانه کابل عزیز، ولایت لوگر در «بیخ گوش» یعنی در شست کیلومتری کابل موقعیت دارد. ما خرسند از آن هستیم که درین اواخر به "همت و پایمردی" پاکستان «؟» گروه طالبان، که از جانب آی، اس، آی رهنمائی میشوند، به مذاکره صلح با دولت افغانستان آمادگی تام نشان داده اند و در هر هفته هیئتهای نظامی و سیاسی پاکستان به کابل سفر میکنند؛ وزیر داخله آن دولت هم از دوستی و نزدیکی بی سابقه هر دو دولت به خوشی اطمینان میدهد.

در زادگاه محبوب کابل عزیز، مردم اصطلاحات خاصی دارند، که در مواقع و موارد مختلف استعمال میکنند. عنوان این نوشته هم یکی از همان اصطلاحات است؛ منظور هم این که اگر کسی با عزم راسخ تصمیم به کاری بگیرد و با ایجاد موانعی، آن تصمیم را بسر رسانده نتواند، یا خود نخواهد به آن برسد، برایش میگویند «قصیش مفت شد». ما همه شاهد هستیم و تا مغز استخوان احساس کرده ایم، که دولت ناپاکستان از بدو تأسیس، با ما در مخاصمت بوده و کوشیده است از جهات سیاسی و اقتصادی دولت افغانستان را صدمه برساند، به خصوص بعد از تهاجم قشون اتحاد شوروی، هجوم مهاجران و ایجاد تنظیمهای جهادی تحت حمایتشان، امکان مداخله صریح و آشکار در امور افغانستان بیشتر پیدا کرد، که با شیوه های مزورانه تا هنوز ادامه دارد. مسأله تحریک طالبان و ایجاد نارامیهای روزمره توسط این گروه، یکی از همان پروژه های خونینی ست، که توسط دستگاه جهانی آی، اس، آی براه انداخته شده است، که زهر گلسوز آن را، مردم مظلوم و صبور افغانستان همه روزه در هر گوشه و کنار به تلخی میچشند. حتی هم

اکنون که سر و صدای مصالحه با طالبان گرم است. اینک ظهور داعش و یا پیروان شان در ولایت لوگر، در جوار پایتخت، گل تازه ای ست، که در آب انداخته میشود و بطور یقین پروژه صلح با طالبان را، صدمه می رساند و اگر با طالبان مصالحه هم شود، دولت افغانستان باید برای دفع داعش کمر بسته کند؛ یعنی دامنه جنگ تا به زانو در آمدن افغانستان، باید ادامه داشته باشد. من که پس از مصیبت هفتم ثور ۵۷ ش تاکنون در برابر هر حادثه ای، منظومه ای داشته ام، اینک سروده ای را که یازده سال پیش، هنگامی که کرزی برادرگویان از طالبان و گلبدین به همکاری دعوت نمود، به نام «دهان مار» نوشته شده است به طور تکرار حسن تقدیم میکنم:

مار اگر در آستین میپروری، هشیار باش
ور به زهر مار عادت میکنی بیدار باش
رنجها دیدند مردم، تلختر از زهر مار
مار پروردن چرا؟، در فکر دفع مار باش
از عدو دعوت به همدردی، جفا با مردم است
دشمنی با خود مکن، با مردمان هم یار باش
جلوه طاووس دارد دشمن خوش خط و خال
هوش کن محتاط با این روبه مکار باش
تا نگردد باز شهری، اشکبار و سوگوار
بهر دفع افعی خونخوار خلق آزار باش
دست یاری پیش کردن سوی بدکیشان خطاست
تا خطائی پیش ناپد، اندکی خوددار باش
طینت آتش مزاجان را به آسانی مگیر
گل ز گلشن گر همیخواهی، به فکر خار باش
دامن آئینه از آهی مکرر میشود
باش پاک و صافدل، اما به یک مقدار باش
سرمه را باز آزمودن، دیده را آزرده است
تا نیازارد ترا، زین آزمون بیزار باش
عاقبت در محنت آباد و طن راهی نداشت
تا ز آفت دور باشی، دور ازین پندار باش
گر ز بیدردان مدد میخواهی، از بیدل شنو
«بردم عقرب نشین، یا در دهان مار باش»
این تقاضا «آتش نمرود دارد در کمین»
اختیار ما به دست تو درست افتاده است
در رد ابلیس، روز و شب به استغفار باش
دوستان بر دور تو جمعند تا کاری کنند
بی رضای ما نه خودکام و نه خودمختار باش
دوستی با دشمن مردم، به مردم دشمنی ست
این خط پرکار را خود، مرکز پرکار باش
"لطف حق" باب کرامت را به روی ما گشود
دوستان را مفت از کف میدهی، بیدار باش
گر پریشان خاطری دارد شکایت، گوش کن
"نور میبارد ز بام و در"، به فکر نار باش
مرهمی بر زخمهای سینه افگار باش
در خراب آباد میهن از «اسیر» این گپ شنو
از که استمداد میخواهی، تو خود معمار باش

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت ۲۰ اکتوبر ۲۰۰۴ ع)